

مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب

# انقلاب‌ها

ویراستار: جک گلدستون

مترجم: محمد تقی دلفروز

## «فهرست»

- پیشگفتار ..... ۱۱
- مقدمه: مطالعه تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها ..... ۱۳

### بخش اول: نظریه‌های انقلاب

- فصل یکم: رویکردهای کلاسیک ..... ۴۱
- مانیفست حزب کمونیست ..... ۴۱  
کارل مارکس و فردریک انگلس
- انقلاب فرانسه و رشد دولت ..... ۵۳  
الکسیس دو توکویل
- کاریزما، بوروکراسی و انقلاب ..... ۵۷  
ماکس وبر
- فصل دوم: بحث پیرامون مدرنیزاسیون ..... ۶۱
- انقلاب و نظم سیاسی ..... ۶۳  
ساموئل هانتینگتون
- آیا مدرنیزاسیون باعث انقلاب می‌شود؟ ..... ۷۵  
چارلز تیلی
- فصل سوم: ریشه‌های انقلاب ..... ۸۷
- دهقانان و انقلاب‌ها ..... ۸۹  
اریک ولف

۲۶۵	فصل ششم: انقلاب‌های مارکسیستی
۲۶۷	انقلاب ۱۹۱۷ روسیه: استبداد و مدرنیزاسیون
	تیم مک دانیل
۲۷۷	انقلاب کمونیستی چین
	مارک سلدن
۲۹۱	انقلاب کوبا، ۱۹۶۱-۱۹۵۹
	توماس لئونارد
۳۰۵	فصل هفتم: انقلاب‌های ضد دیکتاتوری
۳۰۷	انقلاب مکزیک
	والتر گلد فرانک
۳۲۱	انقلاب نیکاراگوئه
	توماس واکر
۳۳۷	بسیج مخالفان در انقلاب ایران
	جرالد گرین
۳۵۱	انقلاب «قدرت مردم» فیلیپین
	ریچارد کسلر
۳۶۳	فصل هشتم: انقلاب‌های ضد کمونیسم
۳۶۵	انقلاب‌های ۱۹۸۹ اروپای شرقی
	جف گودوین
۳۷۳	انقلاب در اتحاد شوروی، ۱۹۸۹-۱۹۹۱
	جک گلدستون
۳۸۷	ریشه‌های اجتماعی تظاهرات دانشجویی ۱۹۸۹ در چین
	مارتین کینگ وایت
۴۰۵	فصل نهم: شورش‌های چریکی و قومی
۴۰۷	جنبش‌های چریکی آمریکای لاتین: به سوی یک جامعه‌شناسی تطبیقی
	تیمتی ویکم کراولی
۴۲۱	آفریقای جنوبی: مبارزه علیه آپارتاید
	گی سیدمن

۱۰۱	یک تحلیل ساختاری از انقلاب‌ها
	تدا اسکاچپول و اِن کای تریمبرگر
۱۰۹	انقلاب‌ها در دیکتاتوری‌های مدرن
	جک گلدستون
۱۱۹	نقش کارگزار و فرهنگ در انقلاب‌ها
	اریک سلین
۱۳۱	فصل چهارم: پیامدهای انقلاب‌ها
۱۳۳	انقلاب و زایش مجدد نابرابری: قشربندی در جامعه انقلابی
	جانانان کلی و هربرت کلن
۱۴۵	جنسیت و انقلاب‌ها
	والتین مقدم
۱۶۳	دیکتاتوری یا دموکراسی: پیامدهای انقلاب در ایران و نیکاراگوئه
	جان فوران و جف گودوین
۱۷۹	تأثیر انقلاب بر رفاه اجتماعی در آمریکای لاتین
	سوزان اکشتاین
۲۰۱	ضد انقلاب
	فرد هالیدی
۲۰۷	انقلاب و جنگ
	استفن والت
۲۲۱	انتشار امواج انقلابی
	مارک کاتز

## بخش دوم: مطالعاتی تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب

۲۲۹	فصل پنجم: انقلاب‌های جمهوری خواهی
۲۳۱	انقلاب انگلیس: یک رویکرد ساختاری و جمعیتی
	جک گلدستون
۲۴۹	انقلاب فرانسه: الغای فئودالیسم
	جان مارکوف
۲۵۹	انقلاب آمریکا: رادیکالیسم انقلاب
	گوردون وود

۴۳۵	..... «انتفاضه» فلسطین
	گلن راییشون
۴۴۵	..... جنگ‌های انقلابی افغانستان
	انورالحق احدی
۴۶۱	..... معرفی منابعی برای مطالعه بیشتر
۴۶۴	..... کتابنامه
۴۷۱	..... نمایه‌اسامی
۴۷۶	..... نمایه‌موضوعی

## فصل یکم

### رویکردهای کلاسیک

در طی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، محققانی که در صدد درک پدیده انقلاب بودند تلاش‌های خود را بر انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه متمرکز ساختند. تلاش‌ها برای ارائه نظریه‌های عمومی انقلاب با بررسی انقلاب فرانسه به عنوان یک مدل آغاز شد، چراکه این انقلاب تماشایی‌ترین و معروف‌ترین انقلاب در تاریخ اروپا به‌شمار می‌آمد.

بخش‌های بعدی، پرنفوذترین اندیشه‌ها را در مورد انقلاب که در این دوره ارائه شدند، مطرح می‌نمایند. این مطالب کلاسیک که به وسیله مارکس و انگلس، دو توکویل و وبر ارائه شده‌اند، نقطه شروع مطالعات مدرن در مورد انقلاب به‌شمار می‌آیند.

#### مانیفست حزب کمونیست

کارل مارکس و فردریک انگلس

در قرن نوزدهم، کارل مارکس و فردریک انگلس برای اولین بار بسیاری از موضوعات کلیدی را در مطالعه انقلاب تحت قاعده درآوردند. مانیفست حزب کمونیست آنها که در ۱۸۴۸ منتشر شد بدون شک پرنفوذترین مقاله‌ای بود که تا آن زمان در مورد انقلاب نوشته شده بود. مارکس و انگلس به تاریخ اروپا از قرون وسطی به این‌سواز منظر تحول شیوه‌های مختلف تولید (فئودالی، سرمایه‌داری، و در آینده، سوسیالیستی) می‌نگریستند، که هر مرحله پربارتر از مرحله گذشته بود. اما پیش‌فرض آنها این بود که عبور از این مراحل مسالمت‌آمیز نبوده و نخواهد بود،

چراکه در هریک از این شیوه‌های تولید یک طبقه اجتماعی خاص بر جامعه مسلط است. این طبقه مسلط قبل از اینکه گذار به شیوه تولید بعدی کامل شود، باید به وسیله یک انقلاب کنار گذارده شود. انقلاب فرانسه نمونه انقلابی است که برای بیرون راندن اشرافیت فئودال ممتاز و هموارکردن راه برای سرمایه‌داری صورت گرفت. اما مارکس و انگلس استدلال نمودند که آزادی‌های سیاسی و منافع مادی جدید، به دنبال سرنوشتی اشرافیت، تنها به طبقه متخصصان و تجار (بورژوازی) که بر جامعه سرمایه‌داری مسلط هستند، می‌رسد. بنابراین، انقلاب فرانسه اساساً یک انقلاب «بورژوازی» بود. از اینرو، انقلاب دیگری، به نام کارگران یا پرولتاریا، به منظور گسترش منافع تکنولوژی صنعتی مدرن به همه مردم ضرورت داشت. اصول عمده این نگرش از این قرارند که انقلاب به گذارهای تاریخی بزرگ مرتبط هستند، انقلاب یک کارگزار ضروری برای تغییر است، و بالاخره انقلاب‌ها متریقی و سودمند هستند. همچنین، سرمایه‌داری، حتی با وجود اینکه متریقی است، اما تنها به یک اقلیت سود می‌رساند، و بنابراین انقلاب‌های سوسیالیستی برای منتفع ساختن همه مردم لازم هستند.

بسیاری از انقلابیون مدرن به این اصول ایمان راسخ پیدا کرده‌اند. اینکه نتیجه‌گیری‌های مارکس و انگلس تاچه حد معتبر هستند، به یکی از مسائل پژوهشی اصلی برای پژوهشگران مدرن تبدیل شده است. در فقرة زیر از مانیفست، مارکس و انگلس نظریه تاریخ خود را طرح می‌کنند، به تحسین دستاوردهای سرمایه‌داری می‌پردازند، و فروپاشی آن را در آینده پیش‌بینی می‌نمایند.

تاریخ همه جوامع تا به امروز، تاریخ مبارزه طبقاتی است. آزاد و برده، نجیب‌زاده و عامی، ارباب و رعیت، صاحب‌کار و زیردست، یا به طور خلاصه، ستمگران و ستم‌دیدگان، همواره با یکدیگر مخالف هستند، و در یک مبارزه بی‌وقفه، گاهی پنهان و گاهی آشکار به سر می‌برند، و این جنگ هرگاه پایان پذیرد یا به صورت بازسازی انقلابی جامعه است و یا نابودی مشترک طبقات درگیر.

در دوره‌های اولیه تاریخ، ما تقریباً در همه جا شاهد ترتیب پیچیده‌ای از مراتب گوناگون در جامعه یا به عبارت دیگر، سلسله مراتب چندلایه‌ای از مرتبه اجتماعی هستیم. در روم باستان نجیب‌زادگان، شوالیه‌ها، مردم عوام، و بردگان وجود داشتند، و در قرون وسطی ارباب و رعیت (واسال)<sup>۱</sup>، صاحب‌کار و زیردست، کارآموزان، سرف‌ها<sup>۲</sup> در تقریباً همه این طبقات نیز سلسله مراتب وجود داشت.

1. vassals.

۲. serfs، دهقانانی که در قرون وسطی بر روی زمین زمین‌داران کار می‌کردند و جزء اموال آنها محسوب می‌شدند. سرف‌ها از

هیچ حقوقی بهره‌مند نبودند (م).

جامعه بورژوازی مدرن که از خرابه‌های جامعه فئودال سربرآورده بود به دشمنی‌های طبقاتی خاتمه نداد. بلکه این جامعه طبقات جدید، شرایط جدید سرکوب و آشکال جدید مبارزه را به جای آشکال قدیمی نشاناد.

اما دوره ما، یعنی دوره بورژوازی، از ویژگی متمایزی برخوردار بود: در این دوره دشمنی‌ها و تعارض‌ها ساده گردید. جامعه بیشتر و بیشتر به دو اردوگاه بزرگ رقیب تقسیم شد، یعنی به دو طبقه بزرگ بورژوازی و پرولتاریا که مستقیماً رو در روی یکدیگر قرار گرفتند.

از سرف‌های قرون وسطی بورژواهای صاحب‌امتیاز اولین شهرها به وجود آمدند، و از این بورژواها اولین عناصر بورژوازی پرورده شد. کشف آمریکا و دورزدن دماغه امیدنیک زمینه مناسبی برای رشد بورژوازی فراهم کرد. بازارهای هند شرقی و چین، استعمار آمریکا، تجارت با مستعمرات، افزایش ابزار داد و ستد، و به طور کلی کالاها، سودی را برای تجارت، دریانوردی و صنعت به همراه آورد که هیچ‌گاه در گذشته سابقه نداشت، و بدین ترتیب توسعه سریع عناصر انقلابی را نیز در جامعه متزلزل فئودال به همراه داشت.

نظام صنعت مبتنی بر اصول فئودال، که در آن تولید صنعتی در انحصار صنوف بسته و محدودی بود، اکنون دیگر تکافوی نیازهای روبه رشد بازارهای جدید را نمی‌کرد. از اینرو، نظام تولید کارخانه‌ای جای آن را گرفت. صاحب‌کاران به وسیله طبقه متوسط صنعتی به حاشیه رانده شدند؛ تقسیم کار میان صنوف مختلف از بین رفت و تقسیم کار در هر کارگاه منفردی جای آن را گرفت.

در همین حال، رشد بازارها ادامه یافت و تقاضا به طور مداوم فزونی گرفت به طوری که حتی تولیدات کارخانه‌ای نیز دیگر کفایت نمی‌کرد. سپس، نیروی بخار و ماشین انقلابی در تولید صنعتی پدید آورد. تولید صنعتی کارخانه‌ای و کوچک جای خود را به صنایع عظیم و مدرن داد، و میلیون‌های صنعتی، رهبران ارتش‌های صنعتی، و بورژوازی مدرن جای طبقه متوسط صنعتی را گرفتند.

صنعت مدرن بازار جهانی را به وجود آورد، و کشف آمریکا راه را بر این بازار هموار کرد. این بازار توسعه عظیمی را برای تجارت، دریانوردی، و ارتباطات زمینی به ارمغان آورده است. توسعه تجارت، دریانوردی و ارتباطات زمینی، به نوبه خود، به گسترش صنعت یاری رسانده است؛ به همان میزان که صنعت، تجارت، دریانوردی و خطوط آهن گسترش یافت، بورژوازی نیز گسترش پیدا کرد، سرمایه‌اش افزایش یافت، و هر طبقه‌ای را که از قرون وسطی برجای مانده بود، به حاشیه راند.

بنابراین، می‌بینیم که خود بورژوازی مدرن محصول یک سیر طولانی توسعه و سلسله انقلاب‌های صورت گرفته در شیوه‌های تولید و مبادله است.

هر گامی در توسعه بورژوازی با ترقی سیاسی متناظری در آن طبقه همراه شد. بورژوازی به عنوان طبقه‌ای سرکوب شده و تحت سلطه اشرافیت فئودال و جمعیتی مسلح و خودگردان در کمون قرون وسطی؛ در ایتالیا و آلمان به عنوان تشکیل دهنده جمهوری‌های شهری مستقل و در